

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1390/01/15



ادامه بحث از اعیان نجسه

قول صاحب عروه برای احتلام زنان

بحث دیروز را خواستیم تا نتیجه به پیش ببریم که وقت به آخر رسید با عجله گفتیم دیدیم بعضی از عزیزان سوال دارند آخر بحث را توضیح بدهیم عنوان بفرمایید ما حصل بحث احتلام بانوان پس از توضیحاتی که به عمل آمد به آنجا رسیدیم که دو تا طائفه از روایات وجود دارد که طائفه اول دلالت دارند بر وقوع احتلام نسبت به بانوان طائفه دوم دلالت دارند بر عدم وقوع احتلام نسبت به بانوان این دو طائفه را که مورد توجه قرار بدهیم هیچ طرف ترجیحی بر طرف دیگر ندارد هر دو در عین حال که کثرت عددی دارند صحت سند وضوح یا صراحت در دلالت هم دارند

سید الاستاد (ره) فرمودند که بنابر مشهور از روایات دال بر عدم احتلام بانوان رفع ید می شود چون آن طائفه معرض عنها هستند اما بر مسلک خود ایشان که اعراض مشهور و عمل مشهور اثری ندارد در ترجیح و تعارض این دو طائفه تعارض می کنند این قسمت را دیروز با عجله رفتیم بعد می فرمایند که پس از تعارض تساقط هست و مراجعه می کنیم به مطلقات مطلقات غسل جنابت پس از انزال این وجوب غسل جنابت پس از انزال اختصاص به رجال ندارد از این مطلقات حکم کلی بدست می آوریم می گوئیم غسل جنابت واجب است برای مردان و زنان پس از خروج ماءعظم یا انزال ثابت می شود که بانوان محتمل می شوند احتلام درباره بانوان هم به اثبات می رسد این مطلب را که فہیدیم تحقیق مطلب

تحقیق این است که بر فرض تعارض ما مطلقاتی که شامل غسل جنابت و احتلام بانوان و مردان باشد نداریم اطلاق و شمول محل بحث ماست استناد به اطلاق نوع من المصادره امکان تعارض دو گروه از روایات متعارض صحیح السند

نکته : در تعارض روايات معمولا تعارض بين دو تا روايت صورت مي گيرد يا يك روايت يك طرف قضيه چند روايت طرف ديگر در تتبع مي توانيد به اين حقيقت برسيد كه قضيه و طبيعت تعارض از اين قرار است اما اگر جايي برخوريم كه يك طرف متعارضين بيش از ده تا روايت طرف ديگر پنج تا روايت در يك باب روايات ديگر در ابواب ديگر اين طرف دارد در باب هفت همين ابواب نجاسات يك تعارض اينجوري ديده مي شود ده دوازده روايت دال بر ثبوت احتلام و پنج تا روايت دال بر عدم احتلام تعارض اين شكلي قابل التزام نيست براي اينكه نه حمل بر تقيه معنا دارد پنج شش تا روايت با سند صحيح دلالت واضح حمل بر تقيه نمي شود ده دوازده روايت بر خلاف واقع حمل نمي شود تعارض را اعلام بكنيم پانزده بيست تا روايت را كنار بگذاريم با شان و مكانت نصوص تطبيق نمي كند پس نکته ظريفي در تعارض توجه كرديم اين مورد كه ما داريم زمينه براي تعارض نيست يك قدم به جلو كه گذاشتيم گفتيم اين طائفه تعارض ندارند و زمينه تعارض در اين مورد وجود ندارد در قدم بعدي حل مشكل تعارض ابتدائي يا مشكل را الان چگونه حل كنيم

استفاده از قرائن خارجي در حل تعارض مذكور

حل مشكل در اين مورد به اين شرح است كه با استفاده از راي علمي و نظر پزشكي كه گفته مي شود كه مني از رحم بانوان خارج نمي شود و با توجه به فرمايش شيخ حر عاملي كه قلما يخرج المنى من رحم المراه با اين نكات ما راه حل پيدا مي كنيم به متون روايات هر دو طائفه دقت به عمل بياوريم متون طائفه اول تعابيري دارد مكرر در چندين روايات از طائفه اول آمده است اذا انزلت ان انزلت ان تنزل در همه انها اگر نگوئيم در اكثر يا قسمت قابل توجه طائفه اول اين تعبير آمده است و ببينيم معناي انزلت چيست انزلت يعني انزال مني قطعي و يقيني است انزلت يعني علم به انزال و خروج مني وجود دارد كاملا روشن است پس طائفه اول اختصاص دارد به صورتي كه مني قطعا خارج شده باشد و صورت علم به انزال مني اگر علم به انزال مني باشد قطعا احتلام است و قطعا غسل واجب است شواهد هم موجود تعابير هم مساعد و موافق طائفه دوم كه دقت به عمل بياوريم كلمه از ماده انزال در اين طائفه ذكر نشده تحتلم احتملت از اين قبيل تعابير آمده پس طائفه دوم نشان مي دهد كه علم به انزال وجود ندارد رطوبتهاي عن شهوه ترشحات عن تحريك چه حكمي دارد فرموده است كه غسل ندارد مني بيرون نيامده اين همان صورت حمل و وجه جمعي كه صاحب وسائل اجمالا به اين وجه جمع اشاره مي كند

توضيح دو واژه احتلام و انزال در زنان

مضافا بر اين جمع ما به اين صورت كاملا به اتقان برسد در طائفه اول موضوع سوال را موضوع حكم را امام اعلام مي كند مي فرمايد اذا انزلت موضوع را امام اعلام مي كند در طائفه دوم موضوع را سائل بيان مي كند مراه احتملت بنا بر اين نتيجه اي كه گرفته شد اين است كه وجوب غسل و تحقق احتلام اختصاص دارد به صورت علم به انزال و مفاد طائفه اول روايات است و عدم احتلام و عدم وجوب غسل اختصاص دارد به صورت عدم علم به انزال و خروج مني و عدم احتلام در نتيجه مطابق با نصوص مطابق با فتواي سيد يزدني المراه تحتلم كالرجل امكان دارد با روايات و با استفاده از علم تحتلم يعني ممكن است محتلم بشود ولو به ندرت چنانچه ما طلبه ها كه مسئله مي گوييم و مسئله گوش مي دهيم و مسئله مي خوانيم به موارد وقوع احتلام يا برنخورده ايم يا بسيار به ندرت با علم هم تطبيق

کرد روایات هم مواردش را پیدا کردند و حکم الحمد لله روشن و مشخص شد این ما حصل بحث دیروز باقی ماند کامل کنیم گفتیم احتلام و استبراء در باره بانوان استبراء پس از بول که زمینه و جایی ندارد البته توجه کنیم که خود استبراء حکم شرعی نیست نه واجب است و نه در حد ذات مستحب اگر مستحب غیري بشود مانعی ندارد اما پس از احتلام یا پس از جنابت بانوان استبراء به بول دارند یا ندارند مشهور گویا این است که استبراء ندارد متخصص پزشکی ما فرمودند که مجرای بول و مجرای منی در بانوان هیچ ربط با هم دیگر ندارند جدا از هم هستند بسیار خوب منتها مرحوم اقا ضیاء عراقی می فرماید استبراء در بانوان پس از احتلام احتیاط واجب است احتیاط لا- یترک احتیاط واجب پر رنگ این است که فقها می گویند الاحتیاط لا- یترک و ما هم گفتیم با احتیاط و با موافقت با رای محقق اصولی همچون اقاضیاء عراقی پس از جنابت و احتلام استبراء خوب است انجام بشود احتیاط مستحب این مطلب کامل شد بحثی دیگر ندارد

سوال و جواب اجمالا به شکل مختصر مراجعه به قرائن حدود ندارد علمی عقلی عرفی اینها حدود ندارند از قرائن ما امتیازات و کمک ها جمع می کنیم تا برسیم به جمع عرفی ما از کار علمی که شما فرمودید که در فقه شما برای علم پزشکی جا باز نکنید نه ماما می گوئیم در موضوعات فقه نمی تواند دخالت مستقیم بکند موضوعات یا از طریق دو بخش است موضوعات یا موضوعات عرفی است که از دید عموم قابل کشف است یا موضوعات تخصصی است که از دید خبرگان اینجا موضوعاتی است که خبرگان کشف می کنند و علم است کشف موضوع از قبیل خبرویت است بعد مقدمه می شود برای جمع عرفی این دو طائفه را جمع عرفی کردیم طائفه اول حمل شد اختصاص پیدا کرد به صورت علم به انزال و مطابق با واقع طائفه دوم اختصاص پیدا به صورتی که علم به انزال ندارد غسل واجب نیست محتلم نشده هر چند شک کند کاری را از پیش نمی برد

سوال و جواب احتلام علم به انزال نیست انزال علم به انزال است در صورتی که اذا انزلت علم به انزال است و غسل واجب است در صورت احتلم در خواب دیده مجامعت را و ترشحاتی هم شده ولی علم به انزال نیست غسل هم واجب نیست

سوال و جواب اولی که این بود که اذا انزلت که ظاهر یا حتی صریح در این است که منی بیرون بیاید و علم به خروج منی تحقق پیدا کند این که واضح است اینجا غسل هم دارد احتلام هم صورت گرفته اما در صورت دوم کلمه انزال از ماده انزال در روایت نیامده احتملت تحتلم است پس علم به انزال نیست در صورتی که علم به انزال نبود ممکن است ترشحاتی عن شهوه باشد اما غسل ندارد جنب نشده

سوال و جواب شما می فرمایید احتلام مستلزم انزال نیست علکش هست احتلام معنایش حلم خواب دیدن است خواب مجامعت را می بیند این احتملت انزلت او لا انزلت ما در الان در عرف که می گوئیم محتلم شد این اصطلاح خودمان است معنای احتملت در خواب مسئله مجامعت را دیده انزلت قطعا منی بیرون آمده علم به خروج منی دارد اگر منی خارج نشود موضوع برای غسل محقق نیست باید علم پیدا کند به خروج منی

سوال و جواب گفته بودم که در طائفه اول کلمه انزلت آمده در طائفه دوم از ماده انزال و انزلت خبری نیست

بحث میته یکی دیگر از اعیان نجسه

ديگر از اعيان نجسه اين عين ديگر عبارت است از ميتة يكي ديگر از اعيان ميتة است مرحوم سيد طباطبائي يزدي مي فرمايد الميتة من كل ما له دم سائل حلالا. كان او حراما و كذا اجزائها المبانه منها و ان كانت صغارا عدا ما لا تحله الحياه منها كالصوف و الشعر و الوبر والعظم و القرن و المنقار و **الظفر و المخلب و الريش** و الظلف و السن و البيضة اذا اكتست القشر الا علي سواء كانت من الحيوان الحلال و او الحرام و سواء اخذ ذلك بجز او نتف او غيرهما

شرح داد كه نجس است فرق نمي كند از حيوان حلال گوشت يا حرام گوشت باشد به طور مطلق نجس است و مستثنياتي دارد كه ان شاء الله شرح مي دهيم و محل ابتلا. اما اصل ميتة به معنای غير مذكي گوسفند باشد يا مثلاً. كلب فرق نمي كند نجس است مرحوم صاحب جواهر و سيد الاستاد مي فرمايند اين حكم در روايات در حد تواتر رسیده است و صاحب جواهر در كتاب جواهر الكلام جلد 5 صفحه 299 مي فرمايد اين حكم مورد اجماع مورد تسالم ضرورت مذهب بلكه ضرورت دين است مرحوم رضا همداني (ره) در كتاب مصباح الفقيه كه كتاب مصباح المنير درتک جلدي صفحه 15 مي فرمايد هيچ حكمي در فقه از لحاظ نصوص و مدارك مثل اين حكم نجاست ميتة به اين كثرت و استحكام نيامده نصوص متواتر اجماع و تسالم و نفي هر گونه شك و شبهه مع ذلك كله بحث فقهي است دو تا فقيه بزرگوار اصولي يك بحثهاي اصولي اينجا در نظر گرفته اند مي گویند كه حكم به حرمت آمده از حرمت استفاده نجاست كار مشكلي است اين مطلب از ان ريزكاريهاي اصولي است كه و اين اصول با اين دقت آمده كار را مشكل كرد گفت تمام ادله ما دال بر حرمت استفاده و حرمت اكل ميتة است اما يك دليل كه دال بر نجاست باشد به صراحت نداريم بنابراين دليل مي شود اجماع اجماع هم اگر مدركي شد بحث اصولي بستر برایش اماده مي شود شرح مسئله ان شاء الله فردا